



نگاهی روان‌شناسانه به ماجرای زنی که بعد از عاشق شدن در شبکه‌های اجتماعی تصمیم به قتل شوهرش گرفت

خیانت از پشت گوشی!

نرگس عزیزی | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

تحلیل حوادث

بعضی نشانه‌ها هستند که به افراد متاهل می‌گویند باید در روابط خود با افرادی از جنس مخالف به خصوص در فضای مجازی زودتر تجدید نظر کنند تا سرانجام تلخی در انتظار خودشان و زندگی مشترکشان نباشد. اواخر هفته گذشته در خبرها آمده بود: «خانمی که چند سالی از ازدواجش گذشته و پسر خردسالی دارد، در آرزوی ازدواج با فردی که با وی در فضای مجازی آشنا شده بود، حاضر شد در نقشه قتل همسرش مشارکت کند. این خانم که در ابتدا چند پیام تعریف و تمجید از فردی ناشناس در فضای مجازی دریافت کرده، بعد از مدتی خود را در رابطه‌ای عاطفی دیده که توان خروج از آن را نداشته و با پیشنهاد ازدواج این فرد، تصمیم گرفته که در نقشه‌ای مشترک با این فرد، همسرش را به قتل برساند تا بتواند پس از آن دوباره ازدواج کند. نقشه‌ای که در نهایت خوشبختانه عملی نشده و همسر، جان به در برده است (خبرآنلاین). اما آیا می‌شد پیش از این که کار به این جا بکشد، مانع پیشرفت این رابطه تا این جا شد؟

مخالف دارید و در عین حال نشانه‌های زیرامی ببینید، تامل کنید:

- * رابطه خود را از چشم همسر تان مخفی کرده اید و منتظر خروج او از خانه برای پیام فرستادن هستید.
- * روی گوشی تان رمز گذاشته اید و از این که همسر تان بخواهد گوشی شما را بردارد، آشفته می‌شوید.
- * از تصور این که همسر تان رابطه‌ای داشته باشد مشابه آن چه شما دارید، از همسر تان عصبانی و دلخور می‌شوید و او را سرزنش می‌کنید.
- * چند روزی به واسطه مشغولیت‌های دیگر دلتان برای پیام فرستادن یا دیدن کامنت فرد خاصی در فضای مجازی تنگ می‌شود.
- * پست‌هایی که در فضای مجازی می‌گذارید، مخاطب خاص دار و شما

برخی همسران که در گیر روابط خارج از عرف در فضای مجازی می‌شوند، اظهار می‌کنند بدون این که متوجه شوند، ناگهان خود را در رابطه جدیدی یافته‌اند که توان خروج از آن را ندارند. اما واقعیت این است که به صورت معمول پیش از این احساس «گیر افتادن» علایمی وجود دارد که فرد به آن‌ها بی‌توجهی می‌کند و آن‌ها را دست کم می‌گیرد. علایمی که جدی گرفتن آن‌ها می‌تواند پیش از این که خیلی دیر شود، مانع شکل‌گیری روابط خارج از عرف شود. پس اگر در رابطه ای دو نفره با فردی از جنس مخالف در شبکه‌های اجتماعی هستید یا در صفحه خود در شبکه اجتماعی، رابطه خاصی با یکی دو نفر از جنس

آیا این علایم خطر را دیده اید؟

نگاهی جامعه‌شناختی به دلایل و تبعات در گیر کردن اموات به مدهای روز

لاکچری بازی با خرید سنگ قبرهای ۶۰ میلیونی!

امیر محمدیان خراسانی | جامعه‌شناس

سوزه روز

شاید تصور ش سخت باشد اما برخی این روزها برای فخر فروشی مقابل فامیل، حاضرند سنگ قبر چند میلیونی امواتشان را به رخ بکشند! یک فروشنده سنگ قبر در گفت‌وگو با مشرق گفته: «هم اکنون سنگ مرمر صورتی گران‌ترین سنگ قبر بازار است. برخی حاضرند ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان برای یک سنگ هزینه کنند. شاید برای تان جالب‌تر باشد که بدانید حتی ما مشتری‌هایی داریم که تاکید دارند باید حتماً هزینه کنند. شایان‌شاید بفرمائید ما می‌دهند از آب طلا در نوشته‌هایش استفاده کنیم که خود این موضوع هرزینه بیشتری برای شان خواهد تراشید.»



سرمایه‌فرهنگی معنوی خویش که هویت یک ملت را می‌ساخت اما قبر لوکس نشان خودباختگی فرهنگی و تلاش برای جاودانه کردن سرمایه اقتصادی است که انسان را یادقارون می‌اندازد که می‌خواست ثروتش را با خود دفن کند. این امر نشانه تهی شدن عمل این انسان‌ها از معنا و غلتیدن در بی‌معنایی و بحران هویت انسانی است که تعریفی به جز پول ندارد: او (شخص متوفی) و باز ماندگانش با نماد سنگ قبر لوکس، وجود انسانی خود را به پول تقلیل می‌دهند و اعلام می‌کنند که «ما را پول تعریف کن و بسنج».

آسیب‌های جامعه‌شناختی این اتفاق طبیعتاً قشری از جامعه‌با مشاهده این موارد نه تنها در خود احساس کمبودی نمی‌کنند که خدا را شکر می‌گویند که آن‌ها را تا بدین حد ظاهر بین و اهل تفاخر قرار

به واسطه باز دیدیکی دو نفر در صفحه تان این پست‌ها را می‌گذارید. * به تازگی احساس می‌کنید از دست همسر تان بیشتر از قبل دلخور می‌شوید، ایرادهای او بیشتر به چشم تان می‌آید و در کنار این موضوعات او را با فردی که در فضای مجازی می‌شناسید، مقایسه می‌کنید. * احساس می‌کنید همسر تان برخلاف فردی که در فضای مجازی می‌شناسید، شما را درک نمی‌کند و قدر شما را نمی‌داند. * وقتی به گذشته نگاه می‌کنید، فکر می‌کنید زود از دواج کرده و انتخاب اشتباهی داشته اید و به صورت کلی از ازدواج خود ناراحت هستید. * و در نهایت اگر مدتی از رابطه شما با این فرد گذشته و خیال جدا شدن از همسر تان، داریم در سر تان وجود دارد، بدانید که باید زودتر برای تغییر در این وضعیت قدمی بردارید.

سخنی با آن‌ها که خط قرمزها را شکسته اند

اگر بر مبنای پاسخ به سوالات بالا احساس می‌کنید که فرد دیگری در زندگی شما وجود دارد که رابطه تان با او برخی خطوط مرز را شکسته، بهتر است چند نکته را در نظر داشته باشید. هیچ زوجی نیستند که همیشه روابطشان خوب و بدون مشکل باشد. بالا و پایین شدن در رابطه موضوعی طبیعی است اما مشکلی که در زمان حضور نفر سوم در رابطه روی می‌دهد این است که همسری که رابطه عاطفی با فرد دیگری دارد، انگیزه چندانی برای اصلاح ندارد و مشکلات را داریم به همسر خود نسبت می‌دهد. این موضوع در طولانی مدت باعث می‌شود تا کیفیت رابطه همسران نزول و مسائل پیچیدگی‌های بیشتری پیدا کند. در ضمن این که فردی به این نتیجه برسد که ازدواج اشتباهی داشته موضوع نادری نیست اما این موضوع در هر حال نمی‌تواند داشتن روابط مخفیانه و نداشتن صداقت در ازدواج را توجیه کند. پس اگر در ازدواج خود مشکلات متعددی دارید، به دنبال راه حلی اساسی برای اصلاح آن باشید. علاوه بر این‌ها برخی موقعیت‌ها و ویژگی‌های شخصی، احتمال در گیر شدن در روابط نادرست همسران در فضای مجازی را تقویت می‌کند؛ تنهایی، نداشتن دوست و حمایت عاطفی و عزت نفس پایین. نقاط ضعف فرد را بشناسید و به فکر رفع آن‌ها باشید. بعد از حل آن‌ها متوجه خواهید شد که تمایل کمتری به صرف وقت در فضای مجازی خواهید داشت.

درباره برگشت

اگر شما تا امروز در رابطه‌ای بوده اید که در آن مرزهایی شکسته شده و حالا می‌خواهید در این وضعیت تغییر ایجاد کنید، توصیه اکید ما به شما کمک گرفتن از مشاور است. بده و بستان عاطفی با دیگران و لو از پشت گوشی به واسطه حس خوشایندی که ایجاد می‌کند، اعتیادآور است و صرف اراده کردن برای کنار گذاشتن آن کافی نیست. در این وضعیت شما نیاز به همراهی و کمک یک متخصص برای ترک این رابطه دارید، پس موضوع را جدی بگیرید و پیش از این که دیر شود برای وقت گرفتن از مشاور یا روان‌شناس، اقدام کنید. در عین حال با توجه به این که احتمال افت کیفیت رابطه شما و همسر تان در این وضعیت زیاد است، بهتر است برنامه‌هایی برای بهبود روابط نیز در نظر بگیرید. یادتان باشد قدم برداشتن برای بهبود رابطه به نوعی مصون کردن شما و همسر تان در برابر وسوسه برای داشتن چنین روابطی است. پس موضوع را جدی بگیرید و دل به بهبود وقت و کوتاه مدت نبندید.

۳ پسر دارم که سایه یکدیگر را با تیر می‌زنند!

پدری ۵۱ ساله‌ام که سه پسر دارم. پسرانم سایه یکدیگر را با تیر می‌زنند! آن‌ها برای خرید یک خانه با هم شریک شدند و بعد مشکلاتی برای فروش به وجود آمد. هر کدامشان دیگری را مقصر می‌دانند و تا حدودی هم حق دارد. الان سه سال از آن زمان می‌گذرد اما یک بار هم نشده که هر سه با یکدیگر به خانه ما بیایند. با هر کدام هم صحبت می‌کنم، می‌گویند برادران دیگر باید از من عذر خواهی کنند وگرنه هیچ وقت به آن‌ها سلام نمی‌کنم. لطفاً کمک کنید تا دوباره خانواده‌ام را دور هم جمع کنم.



دکتر حسین محرابی | روان‌شناس



تبیین به وجود نیاید و در گام بعدی اگر قرار باشد بین آن‌ها وساطت کنید، همگی تمکین کنند زیرا اگر شما از منظر قضاوت و داوری صحبت کنید، آن‌گاه امکان صلح و سازش و میانجی‌گری توسط شما از بین خواهد رفت. شما تقدیم می‌کنیم.

نارامید نشوید و مذاکره را شروع کنید

پیشنهاد می‌کنیم صحبت کردن را با فرزند بزرگ تر شروع کنید و ابتدا به وی بفهمانید که از این موضوع رنج می‌برید و آشتی کردن آن‌ها خواسته قلبی و جدی شماست و هر طور شده باید انجام شود. سپس در باره گذشت کردن و ثمرات آن و همچنین کم‌اهمیت بودن مادیات در برابر روابط صمیمانه خانوادگی با

سعی کنید بی طرف بمانید

در قدم اول از شما می‌خواهم که از هیچ کدام از پسران تان جانب‌داری نکنید. هر چند ممکن است که شما ذهنیتی در باره حق داشتن یکی از فرزندان تان داشته باشید ولی در عین حال لازم است که بی‌طرفی خود را حفظ کنید و از هیچ کدام حمایت نکنید تا اولاً شائبه

دوشنبه ها

خاطرات یک مشاور

عاشقی با دل نصفه و نیمه!

دکتر المیرا لایق

روان‌پزشک

این هفته از المیرای ۹ ساله خواهید خواند که شیمی درمانی کرده و این روزها بی‌خواب شده است و ستایش چهار ساله‌ای که یک لنگ جوراب برای پزشک‌اش هدیه آورده است!

یک من کوچک روبه‌روی من!

هم اسم من است، المیرای ۹ ساله، موهای سرو و ابرو و مژه‌اش از شیمی درمانی ریخته. با لبخند محوی به من گفت: «اسم رو با بام انتخاب کرده». مادرش گفت دکترش خواسته به خاطر بی‌خوابی‌هایش او را ویزیت کنم و معتقد بود هیچ مشکل دیگری ندارد. المیرا هم تأیید کرد. از مادرش خواستم که تنهای مان بگذارد. به چشم‌های مشک‌آش نگاه کردم. چند ثانیه سکوت... بعد ناگهان دست‌های مرا روی میز گرفت، خیره به من گفت: «از مرگ می‌ترسم». گفتم من هم می‌ترسم. لبخند زد و گفت: «ما چه قدر شبیه‌ایم». گفتم نکند تو هم رز سفید دوست داری؟ بعد از اشتراکات مان حرف زدیم، هر چیز تازه‌ای که کشف می‌کردیم، دست‌هایمان را به هم می‌زدیم. او می‌خندید و من مطمئن نبودم که می‌خندم. لحظه‌هایی در زندگی هست که دلت می‌خواهد بارها و بارها بمیری اما دیگر تجربه‌اش نکنی. یک من کوچک روبه‌روی من بود که همه جا را گرفته بود و یک من کوچک‌تر درون من که به هیچ جا نرسیده بود.

هدیه دادن یک لنگ جوراب!

ستایش چهار ساله است. به جبران دفعه قبل که من به او یک مداد هدیه دادم، این بار او بریم هدیه آورده. عمویش از آن طرف آب برایش یک جفت جوراب تور دار با منگوله‌های رنگی آورده و حالا مراجع کوچک سخاوتمند من یک لنگه آن را کادو کرده و به من می‌دهد! تشکر می‌کنم و او سریع می‌گوید: «یکی دیگه‌اش مال خودمه». می‌پرسم: «حالا بایک دونه‌اش می‌تونی بری مهمونی؟» متعجب نگاه می‌کند: «نه». «خب منم نمی‌تونم، حالا چه کار کنیم؟» فکر می‌کنند من می‌گویم: «ببین نمی‌تونیم این دوتا رو جدا کنیم. بیا دوتاش مال اون کسی باشه که اندازش». بعد هم تند کفش‌هایمان را در می‌آوریم و شانس با اوست! می‌گویم: «خیلی بد شد که اندازه من نشود، حالا من چه کار کنم؟... آهانقاشیشو برام بکش. میشه لطفا؟» اول کمی دلخور بود اما بعد اراضی شده به کشیدن نقاشی جوراب. از جایی به بعد باید یاد بگیریم هدیه‌های نصفه کاره نه دردی از مادوامی‌کننده به کار کسی می‌آید. مثلاً همین عاشقی با دل نصفه نیمه راه به جایی نمی‌برد. یا تمام‌و کمال باید دل داد یا دل را در انبار سینه نگه داشت.

وی گفت‌وگو کنید. در پایان یادآوری کنید که ادامه این وضعیت ممکن است به روابط بین اعضای خانواده آن‌ها آسیب بزند. همچنین یادآوری کنید که مسلمانین موضوع نمی‌تواند برای همیشه تداوم پیدا کند ولی هر قدر دیرتر تمام شود، ارزش آن کم می‌شود و بدون شک ارزشمندی کار کسی که الان پیش قدم شود، نزد همگان و به خصوص خود شما بیشتر خواهد بود.

از عروس‌ها و نوه‌های تان کمک بگیرید

ممکن است همسر و فرزندان آن‌ها نیز در گیر این موضوع شده باشند بنابراین اگر فکر می‌کنید که آن‌ها در پیشبرد این هدف می‌توانند به شما کمک کنند ابتدا با عروس‌ها و حتی نوه‌های تان صحبت کنید تا حداقل اگر کمکی نمی‌کنند، مخالفت نداشته باشند.

این موضوع را به فامیل تان نگویند

اگر به هر دلیلی فکر می‌کنید که خودتان از عهده انجام این کار بر نمی‌آیید، بهتر است از یک مشاور و روان‌شناس با تجربه و دارای مجوز کمک بگیرید. از بازگو کردن مکرر این موضوع بین فامیل خودداری کنید و از واسطه قرار دادن دیگران نیز تا حد امکان بپرهیزید. فقط از روان‌شناس و مشاور کمک بگیرید.

خرید کالا

اقساطی بر اک تمام

اقشار جامعه

خانه اسنوا

(شعبه مرکزی)

تاسیس ۱۳۵۹

بدون ضامن

ویژه حقوق بگیران

مستمر بگیران

بانک رفاه و تامین اجتماعی

فروش اقساطی ۳۶ ماهه بدون پیش قسط

(۲۰ میلیون تومان) خرید کنید و ماهیانه به ازای

هر یک میلیون تومان فقط ۳۴,۷۰۰ تومان پرداخت کنید!

آدرس: احمد آباد خیابان راهنمایی

بین ۱ و ۳ خانه اسنوا - مقتدری

۰۹۱۵۰۱۱۴۳۸ - ۰۹۱۵۰۹۲۸۲۵

۱۰۱۱ ۳۸۴۴ - ۳۴۹۴ ۳۸۴۰